

شریعت در حکمت سیاست

نقدی روش شناختی بر کتاب
دولت و اجرای شریعت
از محمد سروش محلاتی

کتاب دولت و اجرای شریعت، نوشته محمد سروش محلاتی، مشتمل بر ۱۰ مقاله درباره شیوه اجرای شریعت در جامعه اسلامی است. نویسنده در این کتاب، آنچنان که خود در مقدمه تصریح می کند، «در صدد اثبات این مطلب است که مسئولیت دینی و اخلاقی دولت اسلامی به معنای آن نیست که دولت با به کارگیری اجباری و زور شریعت را به مردم تحمیل کند». در این مختصر، فارغ از جزئیات و یکایک ادله و مدعیات نویسنده، تلاش می شود تا رویکرد کلان حاکم بر مقالات تحلیل و ارزیابی شود. بنابراین چه بسا راقم این سطور در برخی جزئیات با نویسنده هم دل باشد و چه بسا مخالفت هایی نیز در جزئیات با وی داشته باشد، اما فارغ از آن ها به ارزیابی نگاه کلان نویسنده در مقالات می پردازد، گرچه به اقتضا ممکن است لازم شود به نمونه هایی اشاره شود.



علیرضا ملا احمدی

طبله سطح چهار حوزه علمیه قم،
دانشجوی دکتری فلسفه تطبیقی

است و باید پردازش مسئله را از «مبانی» شروع کند تا منطقاً بتواند به «چگونگی» برسد، اهمیت این امر مضاعف می شود. اما در هیچ کجای این کتاب چنین چیزی به چشم نمی خورد و این باعث شده که نویسنده نتواند در سطح بنیادی به مسئله ها فکر کند و حاصل کتاب انعکاس صرف گرایش ها و دغدغه های نویسنده با ادبیات فقهی و استشهد ناموزون به چند حدیث و آیه شده است.

به عنوان مثال، در مقاله پنجم ادعای عجیب «نسبی بودن و انعطاف پذیری احکام شرعی» مطرح شده است، اما در تبیین آن به یک مثال سطحی از «تغییر حکم به تبع تغییر موضوع» (که در فقه امری رایج و طبیعی است) اکتفا شده و هیچ تلاشی صورت نمی گیرد تا روشن شود که معنا، معیار و حدود و ثغور این انعطاف پذیری چیست و تا چه حدی باید به آن تن داد؟ مهم تر اینکه در طرح علمی این بحث نمی توان از مبانی کلامی مهم «نسبت ثابت و متغیر در شریعت اسلام» غفلت کرد، اما در این مقاله حتی هیچ اشاره ای به این مبحث نشده و مشخص نیست مبانی کلامی نویسنده در این موضوع چیست!

با در مقاله هشتم، برای آنکه دایره آزادی های اجتماعی و سیاسی را توسعه دهد، این سؤال را طرح می کند که «آیا دولت اسلامی موظف است همه راه های وقوع حرام را مسدود و ابزارهای آن را از دسترس شهروندان خارج کند؟» و برای پاسخ منفی به این سؤال به کلماتی از فقها و آیاتی از قرآن کریم استناد می کند که ناظر به «اختیار انسان» هستند. ناتوانی در تفکیک بین دو مفهوم «آزادی» و «اختیار» باعث می شود این نتیجه را بگیرد که «بنای شرع بر این نیست که با جمع آوری اسباب گناه از جامعه زمینه های معصیت از میان برداشته شوند» و نتیجه طبیعی چنین تلقی غلطی هم این است که منطق بخشی از شریعت را متوجه نشده و به عنوان مثال -مرحله سوم امر به معروف و نهی

+

انتخاب نیکوی مسئله

شاید بتوان گفت مهم ترین ویژگی این کتاب اصل قدمی باشد که برای پردازش مسئله اصلی اش، یعنی «چگونگی اجرای شریعت»، برداشته است. اصل اینکه در باب نسبت میان «اجرای شریعت» و «دولت» تأملات فقهی شود و تحقیقاتی در صغریات این مسئله صورت بگیرد و نهایتاً به صورت یک کتاب منتشر شود امر مبارکی است که کتمان اهمیت آن روان نیست. در سه مقاله از مقالات کتاب، درباره «مبانی چگونگی اجرای شریعت توسط دولت» تأمل شده و موضوع محوری هفت مقاله دیگر -البته بدون تفکیک- «بایسته ها، ملاحظات و حدود و ثغور الزام شریعت به شهروندان از سوی دولت» است. در هر یک از این مقالات از یک منظر خاص آن مسئله اصلی پردازش شده و مورد کنکاش قرار گرفته است. این تلاش در نوع خود قابل تقدیر است، چرا که «حسن السؤال نصف العلم»؛ در سایه طرح پرسش های دقیق و کارآمد است که علم پیش می رود و این کتاب در این جهت از امتیاز ویژه ای برخوردار است.

+

ضعف در مبانی

اولین و مهم ترین شرط یک اثر و نوشتار علمی و فقهی - به خصوص وقتی قرار است دیدگاه های نامأنوسی را منعکس کند- این است که مبادی و مبانی تفسیری، کلامی و اصولی آن مشخص باشد، نه الزاماً بدین صورت که یکایک آن مبانی و مبادی مثلاً در ابتدای کتاب اعلام شوند، بلکه می توان، در حین فرایند استدلال بر اثبات مدعا، به مبانی آن هم اشاره کرد تا مخاطب اهل علم تکلیف خود را با متن بدانند که از کدام پایگاه فکری سخن می گوید. و به ویژه در موضوعی این چنین که نسبتاً جدید